

آن تا چه اندازه بر دریافت شخصی تان از اثر تأثیر گذار بود؟

به تازگی فیلم را در سینما آزادی دیدم، پس از آتش بس جنگ ۱۲ روزه سالن کاملاً پر بود و باینکه فیلم طولانی است، تماشاگران تا انتها همراه ماندند. این نکته نشان می‌دهد فیلم در تحقق ارتباط با طیف‌های گوناگون مخاطب موفق بوده است و حتی با توجه به اتفاقات سیاسی و اجتماعی پس‌زمینه‌ای که می‌توانست بر ذهن تماشاگر تأثیر بگذارد، فیلم توانست همچنان مخاطب را به سینما بکشاند. تعریف‌های متعددی که از پیش درباره فیلم شنیده شده بود هم تأثیر منفی نگذاشت. رسانه‌رانی توان نادیده گرفت، اما به باور من، «پیر پسر» واجد نوعی آبی و جنم درونی بود که جامعه منتقدان و سینماگران را به موضع‌گیری در جشنواره فجر واداشت و در نهایت، خود فیلم توانست به یک تبلیغ غیرمستقیم برای خود تبدیل شود.

صحبت پایانی:

اگر سینمای قصه‌پرداز ما که با مضامین اجتماعی و سیاسی همراه شود و به درستی اجرا شود، قطعاً مخاطب خود را پیدا خواهد کرد. این نگاه که صرفاً فیلم‌های کم‌دلی می‌توانند گیشه را پر کنند، امروز دیگر چندان معتبر نیست. فیلم‌هایی چون «پیر پسر» نشان می‌دهند که حتی با کارگردانی که چندان شناخته شده نیست - مثل آقای اکتای براهنی که پیش‌تر تنها «پل خواب» را به نمایش گذاشته - نیز می‌توان موفق شد. مشروط به آنکه اثر، اصول ساختاری و روایی را به درستی رعایت کرده باشد.



تجرب‌های خاص در دل تاریکی سینما

نخستین مواجهه تان با فیلم «پیر پسر» چگونه بود؟

«پیر پسر» از نظر من یک درام کامل است؛ درامی که در انتها، درست مانند آثار کلاسیک، مخاطب را درگیر یک کاتارسیس یا تزکیه روحی عمیق می‌کند. این فیلم تجربه‌های سنگین و تأثیر گذار از لحاظ بصری ارائه می‌دهد؛ تجربه‌ای درباره چند مرد و زن که درگیر داستان‌هایی از زندگی شده‌اند؛ از طمع و رقابت مردانه گرفته تا مهرورزی، شهوت، ارث، ثروت و دیگر خصلت‌های بنیادین انسانی. فیلم موفق شده تمامی این مفاهیم را یک جا، با ساختاری دقیق و مهندسی شده، به تصویر بکشد. هر آن چه مخاطب از چنین داستانی انتظار دارد، هر موقعیت و یا خشونت که در ناخودآگاهش هست، در فیلم به درستی و در زمان مناسب ارائه می‌شود. این تطابق بی‌نقص بین فرم و محتوا، مانند یک چرخ‌دنده منظم، مخاطب را از نقطه شروع تا پایان همراه خود می‌کشد. در این مسیر، همه چیز به درستی عمل می‌کند: بازی‌ها دقیق‌اند، کارگردانی محکم است، موسیقی و طراحی صحنه درخشان‌اند. طراحی صحنه فیلم به تنهایی می‌تواند یک کلاس درس باشد. در نهایت، «پیر پسر» یک تراژدی کامل را شکل می‌دهد که بازمان ۱۹۰ دقیقه‌ای خود، تأثیر عمیق و ماندگاری بر روح و روان مخاطب می‌گذارد.

با توجه به اینکه شما فیلم را در مرحله انتخاب برای جشنواره دیده‌اید، آیا از همان ابتدا احساس می‌کردید با اثری متفاوت روبه‌رو هستید؟

بله، به‌خوبی آن روز را به یاد دارم. وقتی «پیر پسر» را برای اولین بار دیدیم، همه اعضای هیئت انتخاب کاملاً جذب فیلم شدیم. آن تأثیری که درباره‌اش صحبت



آرش خوشخو،
منتقد سینما و عضو
هیئت انتخاب جشنواره
۴۳ فیلم فجر

کردم - تأثیر مستقیم فیلم بر تماشاگر - در همان تماشای اولیه هم اتفاق افتاد. ما به‌عنوان داور یا انتخاب‌گر نبودیم، بلکه

مثل یک مخاطب عادی درگیر هیجان، خشم، اندوه و لذت شدیم. فیلم برای همه ما یک تجربه خاص بود. تقریباً بدون تردید، رأی همه اعضا برای ورود فیلم به جشنواره مثبت بود. هر هفت نفر به اتفاق نظر رسیدیم که با یک اثر سینمایی برجسته و قابل توجه مواجه‌ایم. البته بعداً به دلایل حقوقی و صنفی، فیلم از جشنواره کنار گذاشته شد که ماجراهای خودش را دارد و پیچیدگی‌هایش را باید جداگانه بررسی کرد. اما آن چیزی که برای من ماندگار شد، تجربه ناب و کم‌نظیری بود که «پیر پسر» در همان نخستین نمایش برایمان رقم زد.

به نظر شما، فیلم «پیر پسر» می‌تواند آغازگر یک جریان تازه در سینمای ایران باشد؟ اگر بله، این جریان در چه سبک یا ژانری می‌تواند تداوم پیدا کند؟

به نظر من، بله، فیلم «پیر پسر» و برخی آثار موفق غیر کم‌دلی دیگر نشان داده‌اند که سینمای اجتماعی ما، اگر بخواهد در رقابت با جریان مسلط کم‌دلی‌ها به حیات خود ادامه دهد، باید از محافظه‌کاری‌های گذشته فاصله بگیرد. منظورم از محافظه‌کاری، فقط سانسور نیست؛ بلکه یک نوع احتیاط در روایت‌گری است. در ترسیم روابط انسانی، در قصه‌پردازی، در مواجهه با مسائل اجتماعی. این احتیاط، همراه با دوپهلویی، طعنه‌زنی‌های نمادین و پنهان‌کاری‌های فرمی، دیگر پاسخگوی تماشاگر امروز نیست. تماشاگر امروزی، به‌خصوص مخاطب سینمای غیر کم‌دلی، به صراحت، سرعت، قدرت و ضربه مستقیم نیاز دارد. ما در فیلم‌هایی مانند «پیر پسر»، «قاتل و وحشی» از حمید نعمت‌الله، یا حتی فیلم‌هایی که با کیفیت متفاوت اما تأثیر گذار بوده‌اند مثل «بی‌بدن»، «علفزار» و تا حدی «برادران لیلیا» می‌بینیم که مسیر تازه‌ای شکل گرفته است.

و این مسیر تازه چه ویژگی‌هایی دارد؟

نخست، روایت مستقیم و بی‌واسطه از واقعیات اجتماعی است و دوم، الهام‌گیری از پرونده‌های واقعی و ملت‌تپ. فیلم‌هایی مثل «علفزار» یا «برادران لیلیا» هرچند

ساختار روایت توسعه پیدا کند، مثلاً به جای ۱۹۱ دقیقه، اثری ۲۵۰ یا ۲۷۰ دقیقه‌ای با داستان‌های فرعی و لایه‌های جدید تولید شود. در غیر این صورت، اگر همین نسخه سینمایی را به‌صورت بریده بریده در قالب سریال عرضه کنیم، ضربه جدی به تجربه مخاطب وارد خواهد شد. این فیلم یک کل منسجم است، نه مجموعه‌ای از اپیزودها. ریتم، تدوین و جریان احساسی‌اش بر اساس منطق سینمایی طراحی شده و تنها روی پرده بزرگ است که به درستی کار می‌کند. این تفاوت را باید جدی گرفت.

درباره تأثیر اقتباس‌ها در ساختار فیلم چه نظری دارید؟ آیا استفاده از منابع ادبی یا پرونده‌های واقعی می‌تواند راهی برای نجات سینمای اجتماعی باشد؟

قطعاً یکی از راه‌های مهم همین است. مادر سال‌های اخیر، به‌خصوص در دهه هشتاد و نود، گرفتار نوعی نمادگرایی سر بسته در سینمای اجتماعی بودیم؛ فیلم‌هایی که روابط انسانی در آن‌ها نیمه مبهم، فاقد جزئیات روان‌شناختی روشن و بیش از حد متکی به تمثیل و ایهام بود. نتیجه هم این شد که مخاطب نه به سطحی از هم‌دلی می‌رسید و نه به کشف یا فهم روشنی از آنچه دیده بود. اما بازگشت به الگوهای روایی دقیق و کلاسیک، چه در قالب اقتباس از متون ادبی داخلی یا خارجی و چه الهام از پرونده‌های واقعی اجتماعی، می‌تواند مسیر تازه‌ای باز کند. این ساختارها بی‌رنگ‌های قوی، شخصیت‌های منسجم و روابطی صریح‌تر و روشن‌تر دارند. خوشبختانه «پیر پسر» از این امکان به‌خوبی استفاده کرده و نشان داده که اقتباس، اگر درست و خلاقانه انجام شود، نه تنها به اصالت فیلم لطمه نمی‌زند، بلکه می‌تواند عمق و انسجام بیشتری هم به آن ببخشد.

در بخشی از صحبت‌ها به فیلم «قاتل و وحشی» ساخته حمید نعمت‌الله اشاره کردید. فکر می‌کنید این فیلم هم می‌تواند مانند «پیر پسر» موفقیت‌های مهمی در سینمای ایران کسب کند؟

به نظر من، «قاتل و وحشی» یکی از آن فیلم‌هایی است که اگر با نسخه کامل و بدون ممیزی اکران شود، می‌تواند به همان اندازه که «پیر پسر» تأثیر گذار بود، بر مخاطب عمومی اثر بگذارد. تفاوت اساسی این فیلم در این است که دیگر دغدغه معنا ندارد. در واقع، بیماری مزمن برخی منتقدان که مدام می‌خواهند در فیلم‌ها دنبال معنا، نماد و پیام بگردند، در «قاتل و وحشی» کاملاً بی‌محل است. این فیلم فقط بر ضربان قلب، بر هیجان، بر ترس بنا شده و همین، تجربه‌ای نادر و کم‌سابقه را در سینمای ما رقم می‌زند. «قاتل و وحشی» تلاشی است برای رسیدن به سینمایی که صرفاً بر احساس و تجربه بنا شده، نه بر تفسیر و تأویل‌های فرامتن.

به نظر شما چرا تا امروز اکران این فیلم ممکن نشده؟ مشکل اصلی کجاست؟

در ظاهر، همیشه از «خشونت بالا» به عنوان مانع اکران این فیلم یاد می‌شود، اما به نظر من این فقط یک بهانه منتقدپسند یا توجیهی نخبه‌پسند است. خشونت در سینمای ایران بی‌سابقه نیست. به گمان من، مانع اصلی چیزی دیگر است. ماجرای موی تراشیده خانم لیلیا حاتمی! این مسئله از جنبه فقهی بدون اشکال است، اما آن چه وضعیت را پیچیده کرده، واکنش مدیریتی و فرهنگی پس از آن است. در واقع، نگرانی اصلی برخی مسئولان فرهنگی این است که اگر امروز به چنین فیلمی مجوز اکران داده شود، فردا چه اتفاقی می‌افتد؟ این کابوس «فردا چه خواهد شد» است که بسیاری از تصمیم‌گیران را دچار تردید و تعلل کرده است؛ تردیدی که متأسفانه دست بسیاری از خلاقیت‌ها و تولیدات فرهنگی را بسته.

اگر نکته‌ای پایانی درباره فیلم «پیر پسر» باقی مانده، خوشحال می‌شویم در پایان گفت‌وگو بشنویم...

من دوباره مخاطبان جدی سینما را دعوت می‌کنم که این فیلم را حتماً روی پرده تماشا کنند. «پیر پسر» نمونه‌ای کم‌نظیر از سینمای خالص، سینمای داستان‌گو، سینمای کلاسیک و در عین حال عمیق و پرتنش است. فیلمی که یقه شما را از آغاز تا پایان رها نخواهد کرد.

ضعف‌ها و نقدهای خود را دارند، اما دارای ویژگی مهمی هستند و آن، «جسارت» است. «برادران لیلیا» مثلاً از منظر شخصی من با اینکه فیلم چندان موفق نیست، اما نوعی هیستری، یک جنون و بی‌پروایی در روایت دارد که باعث می‌شود مخاطب درگیر شود، حتی اگر منتقد فیلم باشد. این آثار به ما می‌گویند که برای ماندگاری، سینمای اجتماعی باید از زیر سایه نمادگرایی بیرون بیاید. دیگر نمی‌شود با روابط نصف‌ونیمه، با ایما و اشاره یا پیام‌های سر بسته مخاطب را درگیر کرد. مخاطب امروز، تجربه زیسته دارد، بحران دیده است و به دنبال تماشای صداقت و شدت است، نه استعاره و کنایه. در همین راستا، «پیر پسر» الگویی است برای سینمای اجتماعی فردا. سینمایی که صریح و کامل است، از مواجهه با خشونت و حقیقت نمی‌هراسد و می‌داند که باید به دل واقعیت بزند، نه به حاشیه آن.

یک سؤال ذهنی که برای من و شاید بسیاری از مخاطبان پیش می‌آید این است که فیلمی مانند «پیر پسر» آیا فقط برای سینما ساخته شده یا می‌توانست در قالب تئاتر یا حتی سریال هم بازتابی داشته باشد؟

من کاملاً معتقدم که «پیر پسر» فیلمی است که ذاتاً و از بن‌مایه، برای سینما ساخته شده. تمام عناصر فیلم، از میزآهنگ تا موسیقی، طراحی صحنه و نحوه بازی‌ها، به نحوی طراحی شده‌اند که فقط در فضای پرده بزرگ معنا پیدا می‌کنند. این اثر، تجربه‌ای سینمایی است، نه صرفاً داستانی قابل روایت. برای نمونه، حضور لیلیا حاتمی در این فیلم، نه فقط به عنوان یک بازیگر، بلکه به عنوان تصویری از یک جاذبه انسانی و عاطفی، تنها در پیچه دوربین سینمایی قابل ارائه است. ما در تئاتر نمی‌توانیم آن پیچیدگی‌های ظریف و چندلایه حسی را که از طریق کلوزآپ‌ها و میزآهنگ‌های دقیق منتقل می‌شود، تجربه کنیم. جاذبه زنانه‌ای که در کاراکتر او به نمایش درمی‌آید، یا حتی شکاف درونی پدر و پسر، همه نیازمند زبان سینما هستند.

یعنی فکر می‌کنید اگر فیلم در قالب تلویزیونی یا سریالی بخش‌شود، این تأثیر گذاری از بین می‌رود؟

بله، به‌نظر من بخش زیادی از تأثیر خود را از دست خواهد داد. البته اگر بخواهند نسخه سریالی تولید کنند، باید